

تعلیم و تعلم سنگری برای مبارزه با استکبار

محمد باقر و فرزند گرامیش امام
جهانفر مسادق در تاریخ اسلام
دوره‌ای پرتحول است انفراض
امرویان، پرسکار آمدن عباسیان،
پیدا شدن داعیان و سردارانی چون
ابوسلمه خلائل و ابومسلم خراسانی و
تاسیس شعبه‌ای دیگر از حکومت
اموی در اسیانها و ... در سطح
اجتماع و مردم نز مسائل بسیاری
مطرح گشت که هر کدام می‌توانست
به گونه‌ای در تحریف و تغییر
مناهیم اصلی اسلام موثر باشد.

تاریخ شان می دهد
که یک دست، یک سیاست
و یک قدرت، امام رضا (ع)
و امام محمد تقی (ع) را بکام
مرگ کسانده است.

در دوران ۵۰ ساله امامت امام محمد باقر (ع) و فرزندش هر تاریخ اسلام دوره پر تحولی بوده که هر کدام می توانست در تحریف اسلام سیار مؤثر باشد به همین جهت این دو امام با نشر علوم به روشنگری و اقعاد برداختند.

مانند شیرع ترجمه فلسفه و افزونی
فلندران و استه به دستگاه خلافت و
پیدا شدن و مورد تایید قرار گرفته
برخی از فقهای هم مذهب با مقامات
رسمی: پیدا شدن قضات،
متکلمان، از این دست که این
گروهها بخوبی می توانستند فقه،

مادرش. فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) بود که اورا ام عبده‌الله می‌گفتند. لذا امام باقر را علوی بن علویین می‌خواندند. بسیار ۱۱۴ قدم به سن ۵۷ کذاره بود که به دستور هشام والی مدینه ابراهیم بن ولید با زهر امام را شهید نمود. امام باقر عليه السلام در یک زمان خاص با ویزگوهای خاصی قرار گرفته بود که بهترین فرستنده شعر معارف اسلامی و فرهنگ قرآن بود امام (ع) در تمامی عمر مهمترین بخش علمی ای ایل گذاشت. احکام آزاد

اخلاقیات، علوم نفسیت، فقه، حدیث
تاریخ را اموزش می داد. در زمان
امام محمدباقر به لائمه که در تاریخ
اسلام موجود است. از اینها بسیاری
بدست آمد و قرس و دلهره نیز از مردم
برداشته شد. لذا از هرسوی رو
بسیوی امام باقر (ع) می اوردندا
و مشکلات انتقادی و معضلات
علمی که در حدوذیه قون بازگو
کننده ای برآن شیوه بودند. لذا امام
علیه السلام می پرسیدند و حسر شنی
سر سختانه و حریر صانه به پاسخ گفتند
اندام می ورزید. این حجر داشتند
شهر اهل تسنن در کتاب صوات عق
پیر امون شخصیت امام باقر (ع) این
چنین اظهار نظر می کنند: «امام باقر
(ع) شکافته داشتها بود و گل اورده
علوم. داشش او به همه جا رسید. قبلی
پاک داشت. علم او پاک و پاکیزه
و عملشی انسانی بود. جانی آرام
وروانی

بابت داشت و اینکه پسندیده. تمامی اوقات او در طاعت از خداوند آباد بود و هرگز فراغت بال نداشت به اندازه‌ای از لحاظ معنوی اوج گرفت که در بهترین مقامات عرفانی جای داشت و زیان از وصف و توصیف او لکنت است بر می‌دارد گنگ است.

زنگنه، هایلینز، دیجیتال، سیم، شیوند

لایه و پس کمی اینسان می آید
سازمان عظیم رسالت من تواند
میله و گکنه باشد برای بهتر
بستان و بسته مبارزه کردن درجهت
فناواره با احتمال
و اکنون و مناسبت شهادت
و فرج انسان ولایت امام
از مدامی که ایمانی
از عشق الهی در ادمی
می بخشد و باختی در جهت
رسیش به او از چهره ای
سامطع می شود، مبارزه بر
کار استیکار باشی شیوه
ادامه می باشد...

* شر هر زمان که
رُهبر بست تئیم بدمست وارشین
حسین سپرده شد مشرکین و
مشتکبین بن در رسیلین به
از رو هایشان می پرس شدند.
محمد باقر و امام محمد تقی نگرنسی
که نهاد به ریاست کیانه آنان داریم. باشد
که به هنگام هجرتمن بسوی الله.
زندگی سراسر شاهدشان بر افکارمان
و راعماله ای اسایه اند از

او شکافیده دانشها بود
امام محمد بن علی باقر العلوم
بسال ۵۷ هجری در رسم ماه ربیع
بروز دولتشد در شهر مدینه تولد
بیافت. در عادنه جانگذار کربلا
درگذشت. از میان شاگردان خود
جعفر صدیق، علی بن ابی طالب، شعبان

هرگاه پیچیده شد و بزرگ شد
بر زمین افتاده بود و بزرگ شد
بر خاسته و آن را افزایش نمکان
من دارد... این چنین است که
در هر بار این از تاریخ مسلمانین
رسالت اسلام را درست و ملک به شهادت
فرزندی از خیر خواه را میشناسیم
سپرده شد و بس از آنکه پیشوایی
از میان مردم و ملت پیشست، پیشه اشی
دگ بر بار مشکن اورا بدوش
کشیده... بدانگونه که در هیچ زمان
و در هیچ شرط ای ایمنی ای محظوظ

ساده‌تری که این شعر از عذر خواهد داشت
درنهاد آدمی می‌گذشت و نوری
درجهت رسیده با این از چهارمی
سلطان می‌شود، هر آنرا به علیه
استکبار باشد... این شعر امام
می‌باشد. و امام علیه بعوان و هیوان
دینی و سرداران بمعنای اسلامی
بنایه مقتضای زماں و مکان درجهت
مبازی با کفر والمعاذ سووند را اخراج
می‌کند و با تاریخ سده اکبر شاهد می‌شود
بر جم نیزه را به شدت و این‌ین خود
می‌سپارند، بدلاسته، آنکه علی یا
شهادتش درجهت این شخصیت با
مطلوبیتی دیگری نیز شهادت
خوبیش درجهت کل را بر این
الهابین یا انسان‌هاشی و اقسام
محمدیت‌قر و اقسام عادیق و میان
امامان‌سان درجهت رندازی کار و
اشاعه ملوع و مخوارف در جامعه
و محیط‌شان اینجین مسلط
و شاهدان ایشانی تاریخ گشند

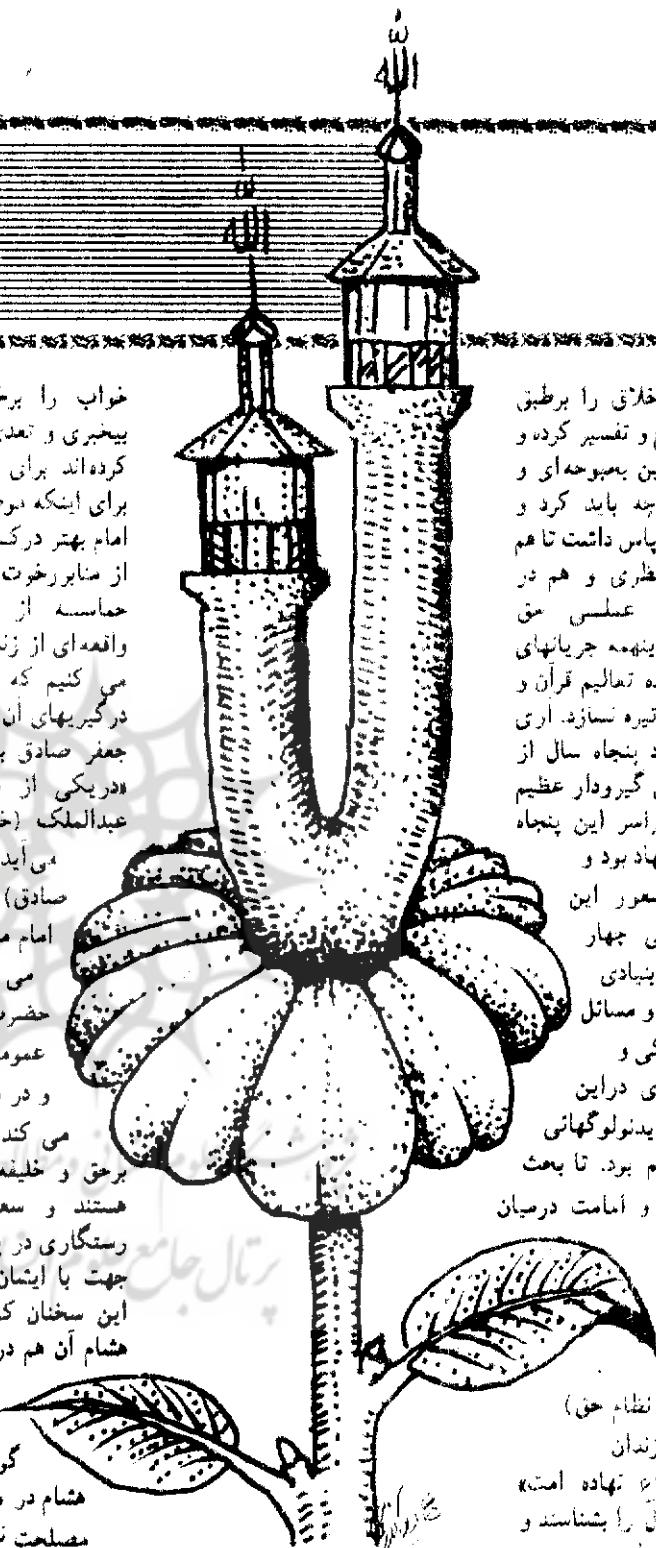
و بیدنکونه مبارزه خود را در صحنه
سراسر تبرد زندگی شان را همچو کین
آنهاز بیدند و سرخاخ نیز برانگشته با
شهزاده‌شان پیام او را دادند و رسالت را
بدست وارثین خود سپردند. پس از
که در همیج زمانی و در همیج سنگری
مادام که ورثت آنها بدست
وارثین خود را در پیش از میان اهل

قضای و کلام و اخلاقی را بر طبق مصالح قدرت شرح و تفسیر کرده و شکل دهنده در چنین بعدهای و گرداب متلاطمی چه باید کرد و چگونه باید حق را پاس داشت تا هم در سطح مسائل نظری و هم در سطح درگیریهای عملی حق ناشناخته نداند و اینهمه جریانهای گوناگون شیاع زندۀ تعالیم قرآن و حesse عاشورا را تیره نسازد. اری چه باید کرد؟ خود پنجاه سال از تاریخ امامت دراین گیرودار عظیم سپری گشت و سراسر این پنجاه سال تیز همه اش جهاد بود و حسنه و شورو شعر این دوره صرف نگهبانی چهار موضوع عظیم و بنیادی شد: اول نشر مبانی و مسائل اعتقادی ایدنلوزیکی و استدلل و روشنگری دراین زمینه و تربیت ایدنلوزیکیان چون هشام بن حکم بود. تا پیش بر سرسته رهبری و امامت دریان چون هشام بن حکم بود. تا پیش از این مدت گهانی موجود (عباسیان یقاید و امویان اندلی و داعیه داران دیگر نظام حق) شناخته گردد و تاریخ زندان «تازه پا به اجتماع تهاده امت» رهبران حکومت عدل را بشناسند و بدانند که پیشوای مقصوم بزرگترین نمودار احترام گزاری به عظمت انسان است. موضوع دوم نشر فقه صحیح اسلام دربرابر اشخاصی پدیدارند سذکشندور میان پیروان حق کسانی که در این معارف باطنی برای حفظ کیان تشیع و مرجویت امت پیروزند. موضوع فقه و ناصحین و اثر آن در معرفت اجتماع ای توان به پیشگاه مقدس امام پیغمبر پیا کرد، سادات عالم بود، سادات عالمی که

خواب را برخلافهای شرق در پیغمبری و تعلی و اسراف عالم من کرده اند برای روش نشان دهن و برای اینکه موضع اینهاش این دو امام بهتر درک شود و آثار بسیاری از متأخر خوت آور و گفته های بیش از ۱۱۰ صفحه در غیرستان حساسه از اذهان زدوده گردد و اتفاقاً از زندگانی امام پیغمبر نقل می کنیم که شامل بیان یافی از درگیریهای آن امام و فرزندش امام جعفر صادق با خلافت وقت است: «دریکی از سالها که هشام بن عبدالملک (خلیفه اموی) به حجت اید. جعفر بن محمد (امام صادق) در مدت پدر خود امام محمد باقر تیز به حجت می روند. روزی در مکه حضرت صادق در مجمع عمومی سخنرانی می کند و در ان سخنرانی تاکید می کند که امامت پیشوایان برحق و خلیفه های خدا در زمین معتقد و سعادت اجتماعی و رستگاری در پیروی از ایشان و هم جهت با ایشان است نه بادیگران». این سخنان که در پیغوه تقدیر هشام آن هم در مکه گفته می شود در مرسم حج طینی بزرگ افکنید و به گوش هشام من رسدو هشام در مکه جسارت نکرده و مصلحت نمی بیند که مفترض آنان شود. اما باطنی بود تاراه را برگسانی که من موافقند در امت احتراف و یا اشخاصی پدیدارند سذکشندور من خواهد که امام باقر فرزندش را مجهر به به دمشق روانه کند و چنین تیز میان پیروان حق کسانی را مجهر به معارض باطنی برای حفظ کیان تشیع بهانه ای برای جسارت پیشتر به پیشگاه مقدس امام پیغمبر پیا کرد، لکن بازم از افکار پلید خود

امام محمد تقی (ع)

اینکه تکریس کوناء به زندگی انسان ششیم ذریه حسین و نهیم امام بر حق من اند از ایام ۱۹۵ در نوزدهیں روز از رهضان نهان امام جواد الائمه علیه السلام که تولد یافت نام گرامیش محمد و شیخ آن پیشوای بزرگ ابو جعفر است و مشهور به تقی و جواد بیهی سهور پندهیم بهار عمر خود را پیش از سی سال پیش از میانه که در عهد خلافت مخفی خواستی رسال ۲۲۰ هجری به بذیه در حضمه ۴۳



نظرات مختلف . . .

کارشناس کم و بیش رنگ علمی دارد ولی این دسته کارشناس فقط جنبه تبلیغ دارد که برای اثبات عقیده خود از هر وسیله ای استفاده میکند امثال مارکس و لنین که واقعاً چنین می پنداشتند پس

از برقراری جامعه سوسیالیستی دین هم خود بخود از میان خواهد رفت ولی مادیدم که جامعه سوسیالیستی برقرار شد ولی گرایش دینی از بین ترفت یعنی شخصت سال، تغیریا در نسل از این ماجرا گذشته تا در عین حال آمار نشان میدهد که یکی از مشکلات شور وی گزارش است بدینه که در جوانان شور وی بوجود آمده است، تجربه عملی که تاریخ امروز شاهد و گویای مطلب است این است که هیچگونه رابطه میان دین جلوگیری کند این بود که شفته دین را برای پسر دارد و طبقه مالک و بیدینی وی طبقه ای وجود ندارد و با اینکه امروز سوسیالیست یک جاذبه نیز مدنده و روز افزون است ولی آن مساله که سوسیالیسم را باید با فنی مذهب توأم کرد وجود ندارد بلکه سوسیالیسم را باید جدای از مذهب برقرار کرد، این توجیه یک توجیه عامیانه است که تجربیات امروز او را تایید نمی کند و تاریخ دیروز هم او را صد درصد تایید نمی کند با این توجیه دین باید همیشه از طبقه ممتاز سرچشمه بگیرد که یکی از ادله قاطع عنیه این نظر پیدا شود اسلام است، اسلام که پیش از باجه شعاری پیدا شده و چه گروههایی با او مبارزه کردند.

و انسانهای برهه ده و بردۀ در طرف دیگر، مارکسیست ها میگویند دین در اینجاست که خود شما بین میکنند زیرا کلیه طبقه برهه کش برای آنکه طبقه برهه ده را استثمار کنند از وسائلی استفاده میکنند، اخست به زور و شلاق توسل حسته و از مترفی دیگر یا تکیه احساسات درونی بوده که و ادارش کند یا افراد خاطر، بردۀ وار برای مانک کارکند تا از بروز انقلابات احتمالی هم جلوگیری کند این بود که شفته دین را برای پسر برده کشیدند، مارکسیستها علاوه از اینکه منشاء دین را در پسر جهل و وحشت میدانند عدمه منشاء آنرا در این مساله مالکیت میدانند که از طرف استثمارگر بر طبقه استثمار شده تعییل گشته است، همانطور که دسته اول می گفتند جهل را از بین ببرید، دین از بین میروند و دویها می گفتدند نیاز را از بین ببرید، دین از بین میروند این دسته از مارکسیستها هم می گویند مالکیت را از بین ببرید دین هم از بین میروند سوسیالیست و جامعه سوسیالیستی میشود یعنی با از بین رفتن معلوم علت هم از بین میروند این فرضیه را بطور قاطع مارکسیستها می گفتند، و خصوصیت این عقیده با منکران ادیان این است که منکران ادیان

بر او ادواری گشته که در این دوران انسانها بصورت قبیله ای زندگی میکردند و مانند اعضاء یک خانواده در همه پیش اشتراک داشتند زیرا زندگی های اولیه اشتراکی بوده و مالکیت اختصاصی وجود نداشته است و مالکیت انتسابی در جایی پیدا میشود که مازاد ثروت را خیره کنند ولی وقتی پسر مازاد ثروتی نداشته باشد مالکیت هم معنای ندارد و مانند حیوانات صحرایی، پسرهای اولیه هم از برگهای درختان و شکار حیوانات استفاده میکردند پس یونانی های بصورت اشتراکی بوده موضوعی بین مالکیت مطرح نبوده است تا اینکه پسر به دور، زراعت و فلاحت مرسد، یعنی دوره ایکه چیزی به شیوه بدهد و چندین پسر از آنرا دریافت کند و یا از طبیعت و دامداری و از تکثیر دام استفاده کند پس از اینجا مازاد، یعنی مالکیت مطرح میشود، بعد هم راجع به زمین که منشاء تولید بوده و زمن را بخود اختصاص میداده است پس از آنها معتقدند که در دوره اشتراکی دین بوده ولی پس از آنکه مالکیت بوجود آمد همراه آن هم دین برای برهه کشی از انسانها مانند بردۀ داری و یا غیره رواج یافت که اسرای قبیل را وادار به خدمت کرده و همچون زمین و حیوان در تبیول خود فرار میداد تا انسان هم مانند زمین و حیوان برهه دهد، در اینجاست که مالک زمین و انسان در یک طرف قرار می گیرد

تعلیم و تعلم سُنگری برای . . .

مشمار شاید رضای خدا در همان عبادت باشد، خشم خود را در گناهان پنهان نموده است هیچ گناهی را کوچک مشمار شاید بواسطه همان گناه صور خشم او واقع شوی بندگان محبوب خود را در میان مردم پنهان کرده است هیچ فردی را حقیر مشمار شاید همان فرد بندۀ محبوب خدا باشد.

له مشکل ترین و بهترین اعمال سه چیز است: ۱- رعایت برادری در مال و ثروت، با برادران مسلمان ۲- رعایت انصاف با مردم ۳- بادخدا کردن در همه حال ع- هر کس پایین منظور در طلب مال دنیا پاشد تا از مردم بی نیاز باشد و وسیله آسایش خانواده خود را فراهم سازد و نسبت به همسایگان نیکی نماید در روز رستاخیز چهره او مثل ماه چهارده شب در خشان خواهد بود.

انجام می گرفت و گذشته از این شعارشان نیز دعوت مردم بسوی ولایت و محبت و دفاع از حقوق ال محمد بود، روی همین اصل امام جواد علیه السلام در تمام عمر در حصر و جسی بود. فرازی از سخنان پیشوای پنجم: ۱- مرگ عالم در نظر شیعیان بهتر از مرگ هفتاد عابد است ۲- من برادری داشتم که در نظرم بزرگ و با عظمت بوده بجهت آنکه کوچکی دنیا در نظر او بود. ۳- در مصائب شکیبا باش به حقوق دیگران تجاوز نکن و نسبت به دیگران تا آن حد کارسازی کن که ضرورش برتو پیش از سه چیز ۴- خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است رضا و خسندی خود را در پرستش و عبادت پنهان نموده است هیچ عبادتی را کوچک

پقداد کشیده شد و در ماه ذیعده بوسیله زهری که باو خورانیده شد راه پدر و اجداد خویش را بیش گرفت و شهادت نائل گردید در پیرامون انگیزه قتل از گاهه ۱۵۰۰ است که همسر امام ام الفاضل بن حجر مامون عباسی بهنگامی که در معیت امام از مدینه بحری مقتضم عباسی می امد بوسیله زهر این حضرت را شهید کرد امته ام الفضل دفتر مامون که بهمیری امام جواد در آمد خود یکتا در من و بحث جداگانه ای دارد، زیرا بک ازدواج معمولی و عادی نبوده بلکه همان قدرت مکارانه ای که امام رضا را از مدینه تا به سرخس اورد و حضرت را بعنوان ولایتمندی نامزد نموده سکه های زدن را داشتند، دختر خود را سیر گفت فریب خلق و یا برای کشتن امام بسوی خانه امام